

یک ارزیابی از اعتصابات سراسری کارگران صنعت نفت

برگرفته از نشریه کار شماره منتشره در

روزهای ۲۸ و ۲۹ آذرماه ۱۳۷۵، اعتصاب، پالایشگاههای شیراز، اصفهان، تبریز و تهران فراگرفت. این اعتصاب سراسری هشدار بود به مسئولین وزارت نفت. کارگران ضمن سازماندهی این اعتصاب سراسری دو روزه، اعلام کردند. اگر طی یکماه به خواستهای آنان پاسخ مثبت داده نشود، دوباره دست از کار خواهند کشید و تا دستیابی به مطالباتشان به سر کار باز نخواهند گشت. این اعتصاب در تداوم حرکات اعتراضی صورت گرفت که مرداد ماه سال جاری از سوی کارگران صنعت نفت تهران سازماندهی شد. روز ۱۷ مرداد صدها تن از کارگران پالایشگاه تهران، جایگاههای سوخت رسانی، انبار نفت و شرکت گاز مرکزی با برگزاری یک تجمع اعتراضی مقابل خانه کارگر، مطالبات خویش را مطرح نمودند و خواستار رسیدگی به آنها شدند. مطالبات کارگران عبارت بود از انعقاد قرارداد دسته جمعی کار که وزارت نفت طی ۱۷ سال گذشته از آن سر باز زده بود و دریافت وام مسکن. همانگونه که انتظار میرفت مسئولین خانه کارگر تلاش کردند با دادن وعده و وعید، کارگران را متقاعد سازند به تجمع اعتراضی خود پایان دهند. این تلاش مذبوحانه، مورد اعتراض کارگران قرار گرفت. متعاقباً نیروهای سرکوبگر رژیم به محل فراخوانده شدند و ضمن شناسایی کارگران فعال و سازمانده، تلاش نمودند کارگران را متفرق نمایند. روز ۲۱ مرداد ماه مجدداً حدود ۴۰۰۰ صد تن از کارگران به طرف وزارت نفت راهپیمایی کرده و خواستار پاسخگویی وزیر نفت به مطالباتشان شدند. مسئولین وزارت نفت ابتدا تلاش نمودند با توسل به حيله شناخته شده و هميشگي که نماینده تان را معرفی کنید تا مقامات با او گفتگو کنند، از پذیرفتن جمعی کارگران سرباز زنند و با دستگیری احتمالی نماینده معرفی شده توسط کارگران و ایجاد رعب و وحشت آنان را از پافشاری بر مطالباتشان باز دارند. این حيله موثر واقع نشد. کارگران اعلام کردند ما نماینده ای نداریم. سرانجام آقازاده وزیر نفت ناگزیر شد در جمع کارگران حضور یابد. وی ضمن تعریف و تمجید از کارگران صنعت نفت، وعده داد ظرف ۲ ماه به خواستهای آنان پاسخ دهد. اعتصاب ۲۸ و ۲۹ آذر ماه که همزمان در ۴ پالایشگاه صورت گرفت. اعتراضی بود به عملی نشدن این وعده و هشدار نسبت به عدم پاسخگویی به خواست کارگران جهت روشن شدن اهمیت این اعتصاب و هشدار کارگران به وزارت نفت، ابتدا توضیح مختصری در رابطه با مطالبات مشخص کارگران صنعت نفت و مروری کوتاه بر روند اعتراضات و مبارزات کارگران نفت جهت دستیابی به این مطالبات ضروری می نماید.

پیش از انقلاب ۱۳۵۷، مسائل مختلف مربوط به شرایط کار و دستمزد و امکانات رفاهی کارگران صنعت نفت در پیمان های دسته جمعی منعقد شده میان کارگران این صنعت با شرکت نفت تعیین می گردید. به این منظور هر دو سال یک بار پیمان دسته جمعی کار میان کارگران و شرکت نفت منعقد می شد در جلسه ای که به این منظور با شرکت نمایندگان کارگران نفت از نقاط مختلف کشور، نمایندگان شرکت نفت و نمایندگان وزارت کار - علی الظاهر در حکم ناظر در جلسه شرکت می کردند - برگزار می شد، حول مسائل مختلف مربوط به شرایط کار کارگران مذاکره صورت می گرفت و نهایتاً قرارداد دو ساله ای به امضای طرفین می رسید. در این قرارداد مسائلی از قبیل طرح طبقه بندی مشاغل، حداقل دستمزد، مرخصی سالانه، میزان پاداش و عیدی سالانه، جیره و خواروبار وام مسکن، کمک هزینه مسکن،

تعاونی های مصرف و اعتبار گنجانده می شد . پس از انقلاب ، وزارت نفت جمهوری اسلامی علی رغم اینکه ناگزیر شده است تحت فشار اعتراضات کارگران بارها وعده انعقاد پیمان دسته جمعی کار را بدهد. از انعقاد این پیمان با کارگران سر باز زده است . پس از سال ۶۰ و سرکوب بی رحمانه جنبش کارگری وتشکل های واقعی کارگران توسط جمهوری اسلامی ، در غیاب تشکل های واقعی کارگران ، نه تنها قرارداد دسته جمعی جدیدی با کارگران منعقد نشده است ، بلکه رژیم به بهانه جنگ و وضعیت اضطراری ، بخش وسیعی از مزایای پیش بینی شده در پیمان های دسته جمعی گذشته را نیز از کارگران باز پس گرفته است . بعلاوه از سال ۶۰ به بعد وزارت نفت جهت تضعیف هر چه بیشتر مبارزات کارگران این رشته از صنعت ، بسیاری از کارگران با سابقه را بازنشسته و بازر خرید نموده است . با پایان جنگ و بازسازی پالایشگاه آبادان ، صدها کارگر جدید استخدام شده اند که وضعیت طبقه بندی شغلی آنان نامشخص است . کارگران با سابقه نیز طی چند سال گذشته از ارتقاء شغلی محروم بوده اند .

طی جنگ ارتجاعی ، رژیم هر اعتراض ومطالبه کارگران را به بهانه جنگ بدون جواب گذاشت و از پاسخگوئی به خواست های بر حق کارگران سر باز زد. پایان جنگ ، زمینه گسترش اعتراضات کارگران را فراهم نمود . در اواخر سال ۶۷ ، زمزمه اعتراض به پایین بودن سطح دستمزدها (که در تمام دوران جنگ ارتجاعی ثابت مانده بود) سراسر نفت را فراگرفت . اعتراض در شکل امتناع از دریافت بن به جای مبلغ دریافتی پایان سال بروز کرد . این شکل حرکت به سرعت شکل سراسری گرفت و علاوه بر پالایشگاه تهران ، کارگران پالایشگاههای تبریز ، شیراز ، اصفهان و گاز سرخس نیز در آن شرکت جستند . اعتراض تا اردیبهشت سال ۶۸ ادامه یافت .

در اردیبهشت ۶۹ ، ۲۰۰۰ کارگر پالایشگاه اصفهان با خواست افزایش حق اضافه کاری به میزان ۱۰۰ درصد دست به اعتصاب زدند. اعتصاب زمانی آغاز شد که مدیریت خواهان انجام ۴ ساعت اضافه کاری اجباری توسط کارگران شد . کارگران در اعتراض به اضافه کاری اجباری ، پرداخت حق اضافه کاری به میزان ۲ برابر دستمزد عادی را طرح کردند . خوداری مدیریت از پذیرش این خواست کارگران سبب آغاز اعتصابی شد که به مدت ۲ هفته ادامه یافت . رژیم هراسان از گسترش

اعتصاب به سایر بخش های صنعت نفت ، بازرسانی به پالایشگاه اعزام نمود . اما کارگران تنها زمانی اعتصاب را پایان دادند که ۳۰ کارگر دستگیر شده حین حرکت ، آزاد شدند و وزارت نفت قول داد حق اضافه کاری کارگران را افزایش دهد .

در دیماه سال ۶۹ برای نخستین بار پس از اعتصاب سراسری سال ۵۷ که به سرنگونی رژیم شاه منجر شد ، کارگران و کارمندان صنعت نفت ، مشترکاً به اعتصاب سراسری دست زدند. این اعتصاب ۲ هفته ای با پیروزی کارکنان نفت پایان یافت . ۲۶ تن از نفتگران که حین اعتصاب دستگیر شده بودند، آزاد گشتند. وزارت نفت پرداخت ۲ ماه حقوق کامل به عنوان عیدی و افزایش حق سختی کار به میزان ۲ برابر را به ناگزیر پذیرفت و مسئولین وزارت نفت قول دادند طرح طبقه بندی مشاغل را به اجرا بگذارند .

در مهر ماه ۱۳۷۰ ، کارکنان پالایشگاه هشتم اراک ، پالایشگاههای اصفهان و تهران و هم چنین تاسیسات مسجدسلیمان دست به اعتصاب زدند . اعتصاب کارگران هم چنین « تلمبه خانه » در استان خوزستان را نیز به تعطیل کشاند . این اعتصاب چنان گسترده بود که به نحو محسوسی بر مساله سوخت و گرما در کارخانه ها ، ادارات و غیره تاثیر گذارد . از اواسط مهرماه کمبود نفت و بنزین در بسیاری از شهرهای ایران به یک مساله جدی تبدیل گشت .

اعتصاب دیماه ۱۳۷۰، نقطه اوج این دور از اعتصابات سراسری کارگران صنعت نفت محسوب می گردد. اعتصاب با خواست ۸۰ درصد افزایش دستمزد، روز ۱۹ دیماه از پالایشگاه اصفهان آغاز شد و پس از ۲ روز به پالایشگاههای تهران، شیراز و تبریز گسترش یافت. این اعتصاب در مجموع ۱۷ روز ادامه داشت تا اینکه سرانجام روز ۸ اسفند بخشنامه ای از سوی وزارت نفت در رابطه با مطالبات کارگران به شرح زیر صادر شد:

۱ - از اول دیماه به حقوق کلیه کارمندان دیپلم و فوق دیپلم، ۵۹۱۰ تومان بعلاوه مبالغی به سایر مزایا، افزوده می شود (جمعا ۱۳ هزار تومان افزایش حقوق)

۲ - حقوق ماهانه کارمندان لیسانس به بالا ۱۷ هزار تومان افزایش می یابد

۳ - کارگرانی که ۲۰ سال سابقه کار دارند، با ارفاق ۱۰ سال به سابقه کارشان بازنشسته خواهند شد

۴ - کارگرانی که کمتر از ۲۰ سال سابقه کار دارند، می توانند با پر کردن فرم کارمندی، از مزایای کارمندی استفاده نمایند.

صدور این قطعنامه از جانب وزارت نفت، پایان اعتصاب را در پی داشت. به این ترتیب رژیم ضمن دادن امتیازاتی به کارمندان و کارگرانی که تقاضای کارمندی نمایند، از افزایش حقوق بخش اعظم کارگران سر باز زد و در عین حال مقدمات اخراج کارگران با سابقه که تجربه مبارزاتی شان نقش گرانبھائی در پیشبرد مبارزات کارگران داشت، را فراهم نمود. هم چنین وزارت کار اعلام کرد از دستمزد روزانه کارگران ۶۰ تومان اضافه می گردد و حداقل دستمزد کارگران از ۶۵۰۰ به ۸۳۰۰ تومان در ماه افزایش یافت. عیدی و پاداش سالانه کارگران نیز ۱۵ هزار تومان تعیین شد.

در شهریور ۱۳۷۱ حرکت اعتراضی دیگری در نفت جنوب سازماندهی شد. وزارت نفت با صدور بخشنامه ای اعلام نمود که جهت صرفه جوئی در بودجه، از این پس به اضافه کاری کارکنان بهره برداری چاه های نفت که بیش از ۴۰ ساعت در ماه باشد، اضافه دستمزد تعلق نخواهد گرفت. با ابلاغ این بخشنامه به حسابداریهای مناطق نفت جنوب، کارگران و کارمندان قسمت مهندسی از مهرماه، اضافه کاری را تحریم نمودند و در ساعات غیراداری از بازدید و کنترل چاههای نفت خوداری نمودند. وزارت به ناگزیر پرداخت دستمزد اضافه کاری به روال گذشته را از سر گرفت.

اعمال سیاست صرفه جوئی از سوی وزارت نفت هم چنین انگیزه حرکت اعتراضی دیگری شد که به فاصله ۲ هفته از حرکت کارکنان قسمت مهندسی شکل گرفت. وزارت نفت از تمدید قرارداد کارگران پروژه ای که پس از انقلاب و با خلع ید از پیمانکاران داخلی و خارجی در وزارت نفت شاغل شدند همچنین کارگرانی که جهت بازسازی صنایع نفت جنوب موقتا استخدام شده بودند، سر باز زد. در پی عدم تمدید قرارداد این کارگران که در مجموع ۴۰۰۰ تن بودند، آنان مقابل ساختمان امور اداری نفت در اهواز تحصن نموده و خواستار تمدید قرارداد کار و استخدام رسمی شدند. تحصن کارگران مقابل دفتر مرکزی ساختمان امور اداری نفت وارد یازدهمین روز شده بود که مسئول امور اداری کارکنان مناطق نفت خیز به میان کارگران-آمده و اعلام نمود قرارداد کار-انها به مدت یکسال تمدید خواهد شد و جهت استخدام رسمی-انها با وزارت نفت مشورت خواهد شد. به این ترتیب تحصن کارگران پیمانی نفت جنوب پایان یافت.

سوم-ابانماه سال ۷۲، حدود ۱۲۰۰ تن از کارگران پیمانی شرکت نفت، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد ماهیانه شان مقابل ساختمان

مرکزی شرکت در اهواز یک تجمع اعتراضی بر پا نمودند. همزمان ۴۰۰ تن از کارگران شرکت نفت در شهر مسجدسلیمان اجتماع نمودند. مسئولین اداره ی مرکزی قول دادند مطالبات عقب افتاده ی کارگران ظرف یک هفته پرداخت شود. کارگران به حرکت اعتراضی خود پایان دادند.

همانگونه که مشاهده میکنیم اعتصابات سراسری سال ۷۰ را حرکات اعتراضی، تحصن و اعتصابات پراکنده ی بخشهای مختلف صنعت نفت به اعتصاب سراسری ۲۸ و ۲۹-اذر امسال پیوند میدهد. تمامی شواهد حاکی از آن است که اعتصاب سراسری اخیر، سرآغاز دور جدیدی از مبارزه ی متحد و یکپارچه ی کارگران صنعت نفت حول مطالبات آنهاست که پس از یک دوره ی سه ساله، این بار با مختصات ویژه ای از سر گرفته شده است.

در اعتراضات و اعتصابات سال جاری، کارگران صنعت نفت اساساً بر یک نکته انگشت میگذارند: آنها خواهان انعقاد پیمان دسته جمعی کار هستند. این، بسیج کننده ترین مطالبه ای است که میتواندست در سطح صنعت نفت مطرح شود. روشن است که کارگران بخشهای مختلف صنعت نفت، علاوه بر مطالبات عمومی که برای سایر کارگران نفت و حتی کارگران دیگر رشته های تولید مطرح است، میتوانند مطالبه ای داشته باشند که برای سایر بخشها چندان الویت ندارد. فی المثل اگر برای کارگران پروژه ای، مسأله تمدید قرارداد کار مطرح است، کارگران جایگاههای پمپ بنزین از شب- کاری اجباری، اضافه کاری در روزهای تعطیل بدون دریافت دستمزد در عذابند. نکته مثبت در طرح شعار انعقاد پیمان دسته جمعی کار این است که کارگران بخش های مختلف را با اولویت های متفاوتی که ممکن است طرح شعارها، برایشان داشته باشد، به یکدیگر پیوند می دهد و حول یک شعار که هم در بر گیرنده مطالبات عمومی کارگران نفت از جمله طرح طبقه بندی مشاغل، حق مسکن و وام مسکن، افزایش دستمزد است و هم میتواند تضمین کننده ی مطالبات ویژه ی هر بخش باشد. چرا که در صورت پیروزی کارگران نفت و وادار کردن رژیم به انعقاد پیمان دسته جمعی کار، این قرارداد میتواند تمامی مطالبات ذکر شده را در بر بگیرد. انطور که روشن است نحوه ی طرح مطالبات کنونی، حاصل جمع بندی از مبارزات و اعتصابات چندسال گذشته کارگران نفت و بویژه اعتصابات سالهای ۶۹ و ۷۰ است. در جریان این اعتصابات، رژیم تلاش کرد با ایجاد انشقاق در میان کارگران چه به لحاظ نوع و سطح مطالبه و چه به لحاظ سابقه ی کار و میزان تحصیلات، از برائی مبارزات و اعتراضات آنان بکاهد. کارگران نفت که تجربه ی این سیاست انفاق افکنانه ی وزارت نفت را دارند، با طرح شعار انعقاد پیمان دسته جمعی کار میتوانند وسیع ترین نیرو را در میان کارگران بخشهای مختلف صنعت نفت بسیج نمایند. اما ظرافت مسأله نه تنها در پیشبرد مبارزات و اعتراضات کارکنان نفت حول این شعار و خنثی کردن خرابکاریها و تفرقه اندازیهایی آتی رژیم در مبارزات آنان، بلکه از آن مهمتر در حفظ ارتباط مبارزات کارگران نفت با مبارزات سایر واحدها و جلب حمایت و پشتیبانی آنهاست. بدیهی است که وزن ویژه ی صنعت نفت در اقتصاد ایران و سطح آگاهی و تجربه مبارزاتی کارگران نفت، سبب شده است که مبارزات کارگران صنعت نفت جایگاه خاصی در مبارزه و موقعیت کل طبقه کارگر ایران بیابد (همانگونه که انقلاب ۵۷ نشان داد). بدین معنا که پیروزی یا شکست کارگران نفت در مقابله با رژیم تأثیر بلاواسطه ای بر مبارزات سایر بخش ها خواهد داشت. مثلاً اگر کارگران نفت در دور جدید مبارزاتشان قادر شوند رژیم را به عقب نشینی وادار کنند و به مطالبات خود دست یابند، این پیروزی تأثیر بسیار مثبتی در روحیه مبارزه جویانه و موقعیت کارگران سایر بخش ها در مقابلها سرمایه داران خواهند داشت و کمک خواهد کرد که جنبش

کارگری ایران یک گام به جلو بردارد، از حالت شدیداً تدافعی فعلی خارج شود و توازن قوای جدیدی را به سرمایه داران تحمیل نماید. اما جنبه دیگر قضیه این است که مبارزات کارگران نفت، امری قائم به ذات نیست که بدون در نظر داشتن وضعیت کل جنبش طبقه کارگر و توازن قوای موجود در هر لحظه میان دو طبقه اجتماعی، بتواند به تنهایی به مصاف طبقه ی حاکمه برود و پیروز و سربلند از این مصاف به در آید. از همین زاویه است که میتوان سکون نسبی سه ساله (فاصله ۷۲ تا ۷۵) در مبارزات سراسری کارگران نفت را توضیح داد. در دوره مورد بحث تهاجم سرمایه داران به طبقه ی کارگر، چنان کلّیت این طبقه را در موضع تدافعی قرارداد که مبارزات کارگران نفت نیز به ناچار تحت تأثیر قرار گرفت. نتیجه اینکه کارگران نفت به عنوان بخشی از طبقه ی کارگر ایران و البته بخش پیشرو، بالنسبه متشکل و آگاه آن، از مبارزات کل طبقه تأثیر میگیرند و بر آن تأثیر می نهند. از همین روست که هشیاری انقلابی حکم میکند کارگران نفت، حمایت و همیاری کارگران سایر رشته های تولید و خدمات را نیز جلب نمایند. این جلب حمایت، احتمال پیروزی کارگران نفت را تقویت می نماید و پیروزی کارگران نفت در این مصاف تازه با دولت سرمایه داران، جنبش طبقه ی کارگر ایران را در کلّیت آن یک گام به جلو سوق خواهد داد.